

جو میلر

♦

زنان موفق

نه گام تا موفقیت

♦

ترجمه

فروزنده دولت یاری

ویراستار: محمد حسین دهقان منشادی



سرشناسه:	میلر، جو - Miller, Jo
عنوان و نام پدیدآور:	زنان موفق (نه گام تا موفقیت / جو میلر
مشخصات نشر:	مترجم فروزنده دولت یاری
مشخصات ظاهری:	تهران: اسپینا، ۱۳۹۹
شابک:	ص ۳۲۰
وضعیت فهرست نویسی:	۹۷۸-۶۲۲-۷۳۴۵-۰۲۵
یادداشت:	فیبا
موضوع:	عنوان اصلی: Woman of influence
موضوع:	زنان اهل کسب و کار
شناسه افزوده:	رهبری زنان - راهنمایی شغلی
رده بندی کنگره:	دولت یاری، فروزنده، ۱۳۶۴۵ - مترجم
رده بندی دیویی:	HD۶۰۵۳
شماره کتابشناسی ملی:	۶۵۰/۱۰۸۲
	۷۳۰۶۵۶۹



خیابان دانشگاه، چهارراه وحید نظری، شماره ۵۲
تلفن: ۶۶۴۰۰۲۲۳ - ۶۶۴۶۸۸۵۱

زنان موفق (نه گام تا موفقیت)

جو میلر

مترجم: فروزنده دولت یاری
ویراستار: محمدحسین دهقان منشادی

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ جلد

چاپ: فراین

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۴۵-۰۲-۵

ISBN: 978 - 622 - 7345 - 02 - 5

فهرست

۵	در ستایش زنان موفق
۱۱	مقدمه
	بخش اول:
۲۵	پیشرفت معتبر
۲۷	فصل اول: دست از رفتارهای بچه گانه بردارید!
	از همین جا که هستید شروع کنید!
۴۹	فصل دوم: خودتان باشید!
	نقاط قوت رهبری خاص خود را داشته باشید!
۷۵	فصل سوم: توانایی منحصربه فرد شما چیست؟
	جایگاه مناسب خود را در سطح رهبری طلب کنید!

بخش دوم:

- ۱۰۹ یک برند شخصی تأثیرگذار خلق کنید!
- ۱۱۱ فصل چهارم: برند شخصی خودتان را رشد دهید!
نوع درک دیگران نسبت به خود را تغییر دهید!
- ۱۴۷ فصل پنجم: تغییرات را مدیریت کنید!
ذهنیت خود را از «انجام کارها به تنهایی» به «رهبری» تغییر دهید!
- ۱۷۷ فصل ششم: یا کار بزرگ انجام دهید یا به خانه بروید!
لحظات تأثیرگذار بر شغل خود خلق کنید!
- ۲۰۹ فصل هفتم: دستاوردهای خود را تقویت کنید!
بهترین راز سربلندی را بیابید!

بخش سوم:

- ۲۴۱ تیم پشتیبانی خود را تجهیز کنید!
- ۲۴۳ فصل هشتم: تیم خود را ساماندهی کنید!
چهار نفری که در شغل خود به آنها نیاز دارید!
- ۲۸۱ فصل نهم: هواداران تأثیرگذار را به خود جذب کنید!
درخواست پشتیبانی کنید تا درهای بسته را با یک لگد بگشایید
- ۳۱۵ نتیجه‌گیری: یک میراث رهبری ماندگار بر جای بگذارید!

مقدمه

خود را در قالب یک زن موفق از نو بسازید!

مأموریت من طی بیست سال گذشته کمک به زنان بوده است تا گام در مسیر رهبری گذاشته و کامیاب شوند.

طی این مدت تغییرات زیادی حاصل شده است. بواسطه جنبش‌هایی همچون *Me Too* راهپیمایی‌های ملی یا اداری؛ زنان فرصت بیشتری برای صحبت کردن یافته و بسیاری از سازمان‌ها نیز به سخنان آن‌ها با دقت بیشتری گوش می‌دهند. علیرغم همه تغییرات چشمگیر در چشم‌اندازهای شغلی؛ باز هم زنان نمی‌توانند دستاوردهای شغلی معادل و برابر با مردان داشته باشند. خودتان نیز به این واقعیت آگاه هستید. همه ما آمارها را خوانده‌ایم.

همه شما مستحق یک زندگی کاری متعالی هستید که به شما قدرت و انرژی بدهد و شما را برای بهترین عملکردهای روزانه آماده کند؛ بدون این‌که فردی به غیر از خود واقعی و درخشان‌تان باشید.

من معتقدم که هرکس یک مأموریت شخصی دارد، یک دلیل که به همان منظور گام بر روی این کره خاکی نهاده است. مأموریت من: ارائه یک طرح

ثابت شده و شفاف به زنانی همچون شما است. در این طرح، گام نهادن به مسیر رهبری و معرفی خودتان در قالب یک رهبر با استعداد (که خود شما هستید) را آموزش خواهم داد.

هدف من در نگارش این کتاب کمک به شما بوده است تا تأثیرات معنادار بر محیط کاری برجای بگذارید؛ تأثیراتی چشمگیر و متناسب با استعدادهای درخشان خودتان تا قلبتان از شادی لبریز گردد. همه این‌ها توقع بیش‌ازحد نیستند.

پرو کردن شکاف ادراک

تینا^۱ گفت: «احساس می‌کنم همچون یک راز گران‌بها در این سازمان از دید همگان مخفی شده‌ام».

تینا تحلیل‌گر فوق‌العاده باهوش امور مالی شرکت است که از دل‌وجان کار می‌کند (از همان ابتدا یک کارمند تازه‌وارد و مبتدی نبود). از آن‌جا که او از نظر سنی نسبت به سایر اعضای گروه کوچک‌تر است؛ تلاش وی بر این بوده که بتواند این مفهوم که او یک عضو «جوان» گروه است را از بین ببرد.

وظیفه تینا بررسی و کنترل همه جزئیات و سپس تهیه گزارشات در خصوص حساب‌های سرمایه‌گذاری شرکت است. کارها با قدرت او پیش می‌روند، تینا عادت کرده است همه کارها را با سرعت هرچه‌تمام‌تر به پیش ببرد. او هر روز وارد دفتر کارش می‌شود، همه کارها را با قدرت هرچه‌تمام‌تر انجام می‌دهد و حتی به دنبال کارهای بعدی است. از آن‌جا که تینا مایل است کارهای بیشتری انجام دهد (و یک عضو ارزشمند برای گروه باشد)؛ همیشه داوطلب کمک به مدیران ارشد نیز هست و هر کمکی از دستش برآید انجام می‌دهد.

می‌توانید حدس بزنید که پس از مدتی چه خواهد شد؟

مدیران ارشد متوجه می شوند که به راحتی می توان بسیاری از کارهای کم اهمیت، اما وقت گیر را بر روی دوش تینا گذاشت. پس از مدتی او زیر بار کوهی از وظایف شغلی گوناگون دفن می شود! و البته هیچ کس قادر نیست مهارت های بسیار پیچیده و مهم تحلیلی و حل مشکلات او را مشاهده کند. تینا به ملاقات من آمد و درخواست راهنمایی کرد. او نمی توانست به وضعیتی که باعث اضطراب شدید او شده بود ادامه دهد، تداوم این شغل به مدت ۱۸ ماه دیگر برایش امکان پذیر نبود چون علیرغم تحمل فشارهای کاری گوناگون هیچ راه پیشرفتی وجود نداشت.

تینا: «احساس می کنم یک کارمند نامرئی هستم!»

پرسیدم: «این روزها برند شخصی هم برایت در نظر گرفتند؟»

چشمان تینا از تعجب گرد شدند و پاسخ داد: «خاک انداز مدفوع سگ!» او برای توضیح داد که همیشه بدون درنگ آستین هایش را بالا می زند تا هر نوع کثافت کاری را تمیز کند! عموماً هم کارهایی به او واگذار می شوند که سایرین هیچ علاقه ای به انجام آن ها ندارند.

گفتم: «خب، این برند شخصی برای رهبر چندان جالب نیست.» و هر دو خندیدیم.

ابتدا لیستی از همه نقاط قوت فنی او و همچنین نقاط قوت لازم برای رهبری که تاکنون هیچ کس به آن ها توجه نکرده بود را فراهم کردیم. تینا لیست روش های گوناگون را تهیه کرد که شخصاً آن ها را برای دستیابی به موفقیت اعضای گروه تدوین کرده بود تا ارزش افزوده بیشتری برای خدمات شرکت به بار آورد. او باید مراحل مختلفی را انجام می داد تا شکاف بین «آن چه تینا حقیقتاً هست» و «آن چه سایرین از وی درک کرده بودند» را به طور کامل از بین ببریم. البته او باید به من تضمین می داد که تغییرات ایجاد شده را نیز به طور کامل برای مدت طولانی پیگیری خواهد کرد. تینا حقیقتاً برای ایجاد تغییرات مشتاق بود.

تینا: «حالا دیگه خودم رو مأمور اجرای تغییرات می دونم.»